

بازگشت احمد به کنار دریاچه

«احمد دنیامالی» مدیر ۵۱ساله حوزه عمران شهری و از نزدیکان شهردار فعلی پایتخت است. او دکترای برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه آزاد اسلامی دارد و کارشناسی ارشد مهندسی معماری و شهرسازی‌اش را نیز از دانشگاه علم وصنعت گرفته است. دنیامالی مسئولیت ساخت پروژه‌های مهمی چون برج میلاد، تونل توحید و پل رسالت در تهران را در کارنامه دارد. او به واسطه ۸ سال ریاست بر فدراسیون قایقرانی یکی از طولانی‌ترین مدیریت‌های ورزشی را به نام خود ثبت کرده. مدیرعاملی شرکت راه و عمران قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و مدیریت سازمان بنادر و کشتیرانی و راه‌آهن از دیگر پست‌های رئیس مستعفی کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران است. دنیامالی برای شرکت در انتخابات فدراسیون قایقرانی که طی دو سال اخیر، پس از برکناری غیرمنتظره و جنجالی‌اش در پلاتنکلیفی به سر می‌برد، از شورا استعفا کرده تا به جایی بازگردد که به قول خودش متعلق به آن است.

کرد. پایش را به دانشکده هنرهای دراماتیک باز کرد تا در رشته هنرپیشگی ادامه تحصیل دهد.

فعالیت هنری محمدعلی کشاورز با نمایش «ویولن‌ساز کره‌مونا» آغاز شد و سپس با ایفای نقش در نمایش‌هایی همچون «آنتیگون»، «آندورا»، «ادیپوس شهریار»، «بازی استریندرگ»، «دایی وانیا»، «عاشق مترسک»، «لیخند باشکوه آقای گیل» و شماری دیگر به بازیگری حرفه‌ای در تئاتر تبدیل شد. محمدعلی کشاورز تنها در دنیای تئاتر ایفای نقش نکرد و در عرصه سینما و تلویزیون نیز نقش‌های ماندگاری را بازی کرد. برای نخستین بار در سال ۴۳ با فیلم «شب قوزی» وارد عالم سینما شد. البته از او بازی‌های زیبایی به یادگار مانده است که از جمله آنها می‌توان به فیلم‌های «خشت و آینه»، «آقای هالو»، «رگبار»، «صادق کرده»، «شطرنج باز»، «کمال‌الملک»، «مردی که موش شد»، «کفش‌های میرزا نوروز»، «مادر»، «پول خارجی»، «دلشدگان»، «روز واقعه»، «ناصرالدین شاه اکتورسینما»، «خسوف»، «زیردرختان زیتون»، «غزال» و مجموعه‌های «دایی جان ناپلئون»، «هزاردستان»، «افسانه سلطان و شبان»، «سربداران»، «گرگ‌ها»، «پدرسالار» و «روشن‌تر از خاموشی» اشاره کرد. همین نقش‌های متفاوت بود که نقش‌هایش را برای ایرانیان ماندگار کرد. او به پاس یک عمر زحمتش حالا دارای نشان درجه یک فرهنگ و هنر ایران است. کمتر ایرانی است که با فیلم‌هایی که محمدعلی کشاورز در آنها نقش آفرینی کرده خاطره نداشته باشد و البته کمتر ایرانی است که فیلم هزار دستان را دیده باشد و از بازی کشاورز در نقش شعبون بی‌مخ‌لذت نبرده باشد. درحقیقت هزار دستان یکی از شاهکارهای محمدعلی کشاورز است. خودش درباره ورودش به آن مجموعه می‌گوید: «سال ۵۹مشغول بازی در سریال «سربداران» بودم که علی حاتمی «هزار دستان» را شروع کرد و این اولین کار من با او بود. البته قبلاً نمایشنامه‌هایی که نوشته بود را در تئاتر کار کرده بودم. علی از بچه‌هایی بود که از اداره هنرهای دراماتیک بیرون آمد و در رشته ادبیات دراماتیک تحصیل می‌کرد و در بعضی کلاس‌ها با هم بودیم. فیلم‌های خوبی هم ساخته بود مثل «سوته دلان» و «ستارخان» و در واقع فیلمنامه نویس ماهر ی بود و هنوز کسی روی دست او در دیالوگ نویسی بخصوص در زمان قاجار بلند نشده است. علی حاتمی سر «هزار دستان» به من تأکید داشت که حالا دیگر باید با من کار کنی. او فیلمنامه‌اش را به کسی نمی‌داد. البته اینکه می‌گویند چیزی آماده نداشت اشتباه است، علی همه چیزش آماده بود منتها دست کسی نمی‌داد و فقط به تعداد معدودی که با آنها آشنا بود می‌داد.

سامیه؛ شهردار سیستانی

سامیه بلوچ‌زهی، طلسم مدیریت زنان رادر سیستان و بلوچستان شکسته است، او حالا شهردار کلات (مرکز شهر سرباز) در سیستان و بلوچستان است و این روزها حسابی مورد توجه رسانه‌های خارجی زبان هم قرار گرفته است. دختری ۲۶ساله، مجرد و اهل سنت است. او همچنین توانست، با اکثریت مطلق آرای اعضای شورای شهر کلات، این سمت را از آن خود کند. اتفاقی که با وجود فضا و بافت سنتی سیستان و بلوچستان، رخدادی بی‌سابقه است. خودش می‌گوید: «در خانواده‌ای هشت‌نفره زندگی می‌کنم. در خطه‌ای از ایران که اغلب زنان هنوز به‌راحتی، قادر به استفاده از حقوقی همانند درس خواندن، انتخاب همسر و فعالیت اجتماعی نیستند.» اما سامیه با وجود همه این موانع، دست از فعالیت نکشید و در روش را ادامه داد. برای تحصیل در رشته منابع طبیعی به تهران آمد، اما بر خلاف بسیاری از دانشجویان شهرستانی، پایتخت پریهاهورا ترک کرد و به زادگاهش بازگشت تا برای برداشتن محرومیت زنان، مردان و کودکان زادگاهش بجنگد.

فرزانه زیست و رفت

مترجم «صد سال تنهایی» در ۷۵سالگی از میان ما رفت. اولین جرقه‌های فعالیت در دنیای ترجمه شاید زمانی در او زده شد که قدم به مدرسه عالی مترجمی سازمان ملل گذاشت و در ۲۶سالگی هم نخستین کتاب را از «تنسی ویلیامز» ترجمه کرد.

از بهمن فرزانه حدود ۸۰ عنوان کتاب ترجمه شده و چند کتاب تألیفی نیز از او به یادگار مانده است. «فرزانه» آثار متعددی از تنسی ویلیامز، کوزیما دلدلا، پیراندللو، مارکز، آنا کریستی، ابروینگ استون و... را به فارسی ترجمه کرده است.

«فرزانه» در انتخاب کتاب و سواس داشت و وقتی تصمیم به ترجمه کتابی می‌گرفت کار را به‌طور منظم و در ساعت‌های مشخص انجام می‌داد. به گفته خودش «من هنوز قدیمی مانده‌ام و هنوز با دست می‌نویسم و از رایانه استفاده نمی‌کنم.»

«هزار دستان» را من، مشایخی و انتظامی خواندیم ولی به خیلی از بازیگران نداد. حتی اینکه می‌گویند سرکار می‌آمد و می‌نوشت اصلاً درست نیست، تمام این چیزها را علی‌احتمی قبلاً نوشته بود منتهی وقتی سر صحنه می‌آمد آنها را به کسانی که باید بازی می‌کردند می‌داد. وقتی نقش «شعبان بی‌مخ» را به من پیشنهاد کرد گفتم: اجازه بده روی نقش مطالعه کنم و ببینم دوستش دارم یا نه، دیدم با این کار می‌شود یک تجربه کار هنرپیشگی کرد. با جاهل‌های قدیمی و لوطی‌های محله‌های مختلف صحبت کردم تا به نقش نزدیک شوم. نزدیک به ۵بار هم گریمم عوض شد که هر بار ۴ ساعت طول می‌کشید. من و انتظامی سنگین‌ترین گریم را داشتیم. به هر حال شروع به کار کردیم. شعبان بی‌مخ نقشی بود که دوست داشتم و خوشبختانه از نظر مردم هم موفق بود.»

محمدعلی کشاورز از جمله هنرمندانی است که گاه و بیگاه انتقادات تندی به هم صنفی‌های خود وارد می‌کند. او بارها در گفت‌وگوهای مطبوعاتی‌اش از وضعیت سینمای ایران و نحوه انتخاب بازیگران برای فیلم‌های سینمایی یا سریال‌های تلویزیونی گله کرده است. می‌توان به جرأت گفت، کشاورز یکی از سرمایه‌های سینمای ملی ماست. اما کمی عجیب است که محیط کاری‌اش را دوست ندارد: «محیط کاری‌ام را دیگر دوست ندارم. باندبازی افرادی که سینماگر نیستند و فقط به خاطر پول در این حرفه و هنر فعالیت می‌کنند را نمی‌توانم تحمل کنم. نمی‌توانم ببذیرم که ضابطه‌ها به همین سادگی و آسانی جایشان را به رابطه‌ها داده‌اند. برای من که موهایم در این کار سفید شده چنین چیزهایی پذیرفتنی نیست.

از این‌ها گذشته سناریوها این روزها واقعاً ضعیفند. واقعاً متأسفم که بگویم ما در ایران تقریباً اصلاً سناریست به معنی واقعی کلمه نداریم.» کشاورز حتی کار را به جایی رسانده است که در این سالها چند بار حتی از این که حرفه بازیگری را در پیش گرفته ابراز پشیمانی کرده‌ا!ا. خودش می‌گوید: «خیلی، خیلی پشیمانم؛ واقعاً پشیمانم.» او البته درباره اخلاق در سناریوها بر این باور است: «پایه و اساس سینما اخلاق و سناریوست که متأسفانه سینمای ما هیچ کدام از آنها را ندارد. فیلم‌های سینمایی در سال‌های اخیر ضعیف و بی‌محتوا شده است؛ البته کارشناس نیستم اما به طور کلی بد شدن سینما به علت بد بودن سناریوهاست و آن هم بدان علت است که برخی از آدم‌ها و تهیه‌کنندگان به عنوان سر باند، باند تشکیل داده‌اند. آنها معلوم نیست از کجا پول می‌آورند و برنامه می‌گذارند و فیلم می‌سازند.»

آنها تنها نیستند



این‌بار خبر تلخ بود؛ تلخ برای همه‌ما. خبر این است که ۵مرزبان ایرانی از سوی گروهک تروریستی جیش‌العدل ربوده شدند. گروه جیش‌العدل چند عکس از مرزبان‌های ایرانی در توئیتر منتشر کرده است. عکس‌های منتشرشده، پنج نفر که ادعا شده مرزبان‌های ایرانی هستند، در کنار هم نشسته و به نظر می‌آید دست چهار نفر از آنها از پشت بسته شده است. بنابر شواهد، مرزبانهای ربوده شده به خاک پاکستان منتقل شده‌اند. البته بعد از انتشار این خبر دستگاههای امنیتی وارد عمل شدند. بر این اساس دستگاه دیپلماسی کشورمان علاوه بر ریزنی با مقامات پاکستانی برای بازگرداندن مرزبانان کشورمان به ایران، سفیر پاکستان در ایران را احضار کرد و خواستار ارائه توضیحات لازم از سوی او شد. در عین حال وزارت امور خارجه کشورمان با یادآوری تعهدات ذکر شده در موافقتنامه امنیتی به پاکستانی‌ها، خواستار اقدام فوری این کشور در زمینه کمک به آزادسازی پنج مرزبان کشورمان شده است. از سوی دیگر بر اساس تصمیمات اتخاذ شده از سوی وزارت کشور و معاونت امنیتی و انتظامی این وزارتخانه، مقرر شده طی روزهای آینده هیأتی به ریاست استاندار سیستان و بلوچستان برای ریزنی با مقامات پاکستانی و اقدام در جهت آزادسازی مرزبانان ربوده شده کشورمان به این کشور سفر کند.

ایران

- پنجشنبه ۱ اسفندماه ۱۳۹۲**
- ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵**
- ۲۰ فوریه ۲۰۱۴**

مگر می‌شود

سربداران را ببینیم و بازی ماندگار محمدعلی کشاورز را در این فیلم نادیده بگیریم. مگر می‌شود نقش شعبون استخوانی را در هزار دستان از یاد ببریم و یا آن نقش آفرینی زیادر فیلم پدرسالار را